

جریده عالم

درباره تشکیل کنفدراسیون  
«اردن- فلسطین» صورت گرفت  
واکنش فتح و حماس  
به موضع گیری محمود عباس



نمایندگان «فتح» و «حماس» واکنش متفاوتی به موضع اخیر «محمود عباس» رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین با پیشنهاد آمریکا درباره تشکیل «کنفدراسیون فلسطین- اردن» داشتند.

به گزارش ایرنا، روزنامه صهیونیستی «هآرتص» به تازگی خبر داد که عباس در جلسه ای گفته که مقام های آمریکایی پیشنهاد تشکیل کنفدراسیون فلسطین- اردن بر اساس یک قرارداد صلح را داده اند و او هم موافقت خود را به شرط عضویت اسرائیل در این کنفدراسیون اعلام کرده است.

به نوشته این روزنامه، عباس در دیدار با «جرد کوشنر» داماد و مشاور «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری آمریکا و «جانسون گرین بلات» نماینده آمریکادر امور صلح خاورمیانه به آنها گفت که با تشکیل یک کنفدراسیون متشکل از فلسطین، اردن و اسرائیل موافق است. در حالی که شخصیت های وابسته به جنبش فتح از این موضع دفاع کرده اند، نمایندگان وابسته به گروه های مقاومت فلسطینی همچون حماس به شدت مخالف آن هستند.

«مشیر المصری» نماینده مجلس قانونگذاری فلسطین و عضو جنبش حماس گفت: تشکیل کنفدراسیونی بر اساس الگویی که عباس با آن موافقت کرده، رژیم صهیونیستی را بخشی از پیکر کشورهای عربی می کند.

وی در گفت و گو با این پیشنهاد تشکیل کنفدراسیون از سوی آمریکا را در استای فیصله دادن به مسأله فلسطین و اجرا کردن طرح سازش موسوم به «معامله قرن» دانست و افزود: متأسفانه مواضع عباس به عنوان طرف فلسطینی در قبال چنین طرح هایی به مسأله فلسطین آسیب می زند و باعث تضییع حقوق تاریخی و اصول و ریشه های ملی عامی شود.

عضو حماس افزود: ملت و گروه های فلسطینی مخالف این است که رژیم صهیونیستی بخشی از راه حل در منطقه باشد، چرا که این رژیم گذر از دوره زوال است. وی ابراز نگرانی کرد که موضعی شبیه عباس، رژیم صهیونیستی را از دایره دشمنان به جمع دوستان بیاورد و روند عادی سازی روابط اعراب با این رژیم آغاز شود.

المصری تأکید کرد که برنامه گروه های مقاومت ایستادی در برابر هر طرحی است که بخوهد مسأله فلسطین را بر اساس منافع رژیم صهیونیستی و آمریکا فیصله دهد. در همین ارتباط «اکرم عطالله» تحلیلگر مسائل سیاسی در گفت و گو با این ناگفت که پیشنهاد آمریکا به معنای الحاق کرانه باختری بدون غره به اردن و تبدیل این کشور به محافظ امنیتی اسرائیل است.

وی در عین حال خاطر نشان کرد که اردن نمی خواهد سر نوشت خود را به تحولات فلسطین گره بزند و با انضمام مناطق فلسطینی تر کیب جمعیتی اش تغییر کند. از سوی دیگر «فیصل ابوشهلا» نماینده مجلس قانونگذاری فلسطین و عضو جنبش فتح از موضع عباس در خصوص پیشنهاد تشکیل کنفدراسیون دفاع کرد.

وی در گفت و گو با این ناگفت که پیشنهاد کنفدراسیون از سال ها پیش مطرح بوده و این نه یک طرح فلسطینی، بلکه براساس نظر آمریکایی ها بوده است.

ابوشهلا افزود که موضع سازمان آزادیبخش فلسطین و عباس هم این است که کنفدراسیون پس از تشکیل کشور فلسطین بر اساس اصل راه حل دو کشور ایجاد شود.

وی در تشریح موضع رئیس تشکیلات خودگردان در قبال پیشنهاد کنفدراسیون گفت: در شرایطی که اسرائیل راه حل دو کشور را تعلیق کرده و آمریکا خواهان کنفدراسیون است، عباس می خواهد اسرائیل هم مجبور شود تا این شرایط به این کنفدراسیون پیوند تا این زمین متعلق به همه باشد.

ابوشهلا تأکید کرد که دولت فلسطین به تنهایی اعتبار دارد و نباید اعتبار آن مبتنی بر اردن باشد و این مسأله از نظر فتح و رهبری فلسطین مردود است.

وی افزود: پس از تشکیل کشور فلسطین که دارای حاکمیت کامل به پایتختی قدس است، این حق وجود دارد که وارد تشکیل کنفدراسیون با هر کشور دیگری بر اساس اصل مساوات شود.

سال گذشته تعدادی  
از مقام های باز نشسته  
آمریکایی شروع به  
رفت و آمد به دوحه برای  
گفتگوهای غیر رسمی  
کردند. تلاش های آنان  
ماه گذشته به ثمر نشست  
و فرستاده ارشد آمریکا  
در جنوب آسیا موفق شد  
اعضای طالبان را در دوحه  
ملاقات کند، دیداری  
که در سال های گذشته  
بی سابقه بود

صلحی را با حضور روحانیونی از چندین کشور برگزار کرد. در همین زمان، مقام های عربستان به سراغ گروه های جدا شده از طالبان رفتند. باید گفت که طالبان از سال ۲۰۱۳ به بعد و پس از مرگ رهبر خود، بیش از پیش از هم پاشیده است.

جای تعجب نیست که قطری ها تلاش های آمریکا را عاملی برای همراه کردن توجهات می دانند. یک مقام این کشور اعلام کرد که دفتر دوحه همچنان تنها بستر موجود برای گفتگوهاست.

دولت افغانستان بیش از پیش علاقمند به ادامه گفتگو است. افغان ها نگران گفتگوی مستقیم آمریکا با دشمن شان هستند و امیدوارند که مذاکرات به سر کردگی عربستان منجر به گرفتن جایگاهی برای آنها در سر میز مذاکره شود.

حنیف عطمر، مشاور امنیت ملی افغانستان، در ماه مارس ۲۰۱۸ میلادی اظهار کرد که عربستان بهترین مکان برای برگزاری فرآیند صلح است. اما دیپلمات های آمریکایی با این نظر مخالفند و معتقدند: وقتی کشورهای حاشیه خلیج فارس نمی توانند حتی مشکلات خود را حل و فصل کنند، چگونه می توانند به خاتمه یک جنگ ۱۷ ساله کمک کنند؟

بود. این گروه متعهد شد که پرچم سفید خود را به اهتزاز در نیاورد و نیز خود را امارات اسلامی افغانستان ننماد. امارات اسلامی افغانستان نامی بود که این گروه در زمان سلطه طالبان هر دوی این خواسته ها را برآورده کرد اما تنها چند روز پس از آغاز به کار، این دفتر دیپلماتیک تعطیل شد. رقبای قطر حضور طالبان در دوحه را بهانه ای برای تحریم این کشور کردند.

یوسف العطیبه، سفیر امارات متحده در واشنگتن، اعلام کرده بود که وجود این دفتر در قطر نشان می دهد که چگونه قطر از گروه های تندرو حمایت می کند، آنها را از نظر مالی پشتیبانی کرده و قدر تمند می سازد.

اما چند سال پیش تر از این اقدام قطر، اماراتی ها برای میزبانی از دفتر طالبان پیش قدم شده بودند. با وجود آغاز به کار چالش برانگیزش، این دفتر به دستاویزی برای مذاکره تبدیل شد. سال گذشته تعدادی از مقام های باز نشسته آمریکایی شروع به رفت و آمد به دوحه برای گفت و گوهای غیر رسمی کردند. تلاش های آنان ماه گذشته به ثمر نشست و فرستاده ارشد آمریکا در جنوب آسیا موفق شد اعضای طالبان را در دوحه ملاقات کند، دیداری که در سال های گذشته بی سابقه بود.

عربستان نیز تاریخچه خود را با طالبان دارد. این کشور در دهه ۱۹۸۰ میلادی به مسلح شدن گروه مجاهدین افغانستان کمک کرد و عربستان یکی از کشورهای بود که حکمرانی طالبان را در افغانستان به رسمیت شناخت. در ماه های گذشته مقام های عربستانی تلاش کرده اند که هم این گروه را به رسمیت شناسند و هم اینکه اعتماد طالبان را جلب کنند.

امام جماعت مسجد جامع مکه مناقشه افغانستان را یک فتنه اعلام کرد. چند هفته بعد سازمان همکاری های اسلامی که در عربستان واقع شده است، کنفرانس



وقتی کشورهای حاشیه  
خلیج فارس نمی توانند  
حتی مشکلات خود را  
حل و فصل کنند، چگونه  
می توانند به خاتمه یک  
جنگ ۱۷ ساله کمک کنند؟

که با امضای قراردادهای بزرگ تسلیحاتی با آمریکا و نیز هزینه میلیون دلاری روی لابی گران واشنگتن، خود را برای دولت آمریکا شیرین کنند. در این میان افغانستان به تازه ترین صحنه رقابت آنان تبدیل شده است.

گروه تروریستی طالبان پس از سال ها گفتگو و مذاکره، در سال ۲۰۱۳ میلادی موفق به تاسیس دفتر دیپلماتیک در دوحه شد. آغاز کار این دفتر بسیار ناشیانه و بی نظم

با وجود این، حتی اگر این اقدام نمادین باشد، احتمالاً برای رئیس جمهوری معامله گر و دمدمی مزاج آمریکا معنادار است.

کشور های حاشیه خلیج فارس از ماه ژوئن سال گذشته تا کنون با یکدیگر برای بدست آوردن توجه دونالد ترامپ رقابت می کنند. ژوئن سال گذشته زمانی بود که سه کشور عربستان، بحرین و امارات متحده، کشور قطر را به دلیل اتخاذ مواضع مخالف، تحریم کردند.

در ابتدا ترامپ از تحریم ها حمایت کرد، اما اندکی بعد برخی از اقدام های اشتباه عربستان همانند بازداشت نخست وزیر لبنان، موجب نگرانی آمریکایی ها شد. اکنون دولت آمریکا در این رابطه موضعی خنثی اتخاذ کرده است.

هم اکنون تمامی این چهار کشور عربی حاشیه خلیج فارس در تلاشند

کشور برای خود دست و پا کنند. اما مشارکت آنها در این میان بیش از آنکه مربوط به آینده افغانستان باشد، گویای ستیز جویی و مناقشات درونی این کشورهاست.

پیش از اجلاس تابستانی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (NATO) در بروکسل، کشورهای قطر و امارات متحده عربی پیشنهاد داده بودند که نیروهای خود را برای آموزش ارتش افغانستان به این کشور گسیل کنند.

امارات متحده که هم اکنون ۲۰۰ تن نیرو در افغانستان دارد، خواهان افزایش این تعداد به میزان یک سوم شده است. اما هنوز میزان مشارکت قطر نامشخص است. این اعداد ناچیز هستند چرا که افزایش نیروهای اماراتی در افغانستان، تعداد نیروهای آموزشی به سرکردگی ناتو در این کشور را تنها ۰،۴ درصد بالا می برد.

سجاد موسوی راضی، روزنامه نگار

جنگ آمریکا در افغانستان ماه آینده شاهد یک نقطه عطف تاریخی و البته سورتال خواهد بود. ارتش آمریکا سربازانی را که در زمان حملات ۱۱ سپتامبر، که منجر به حمله به افغانستان شد، هنوز به دنیا نیامده بودند را به خدمت فرا خواهد خواند.

برای بیشتر آمریکایی ها این حادثه کاملاً فراموش شده است. اما متحدان نزدیک آمریکا در خاورمیانه موضوع را از یاد نبرده اند و به تازگی و به شکلی ناگهانی علاقه زیادی به آن پیدا کرده اند.

کشورهای پادشاهی واقع در حاشیه خلیج فارس شروع به اعزام نیروهای بیشتر به افغانستان کرده اند و در تلاشند تا در رقابت با سایرین نقشی در گفتگوهای صلح این

گزارش

صندوق بین المللی پول امان را تحت فشار گذاشته است

## نسخه آمریکایی اصلاحات برای اردن

اقتصادی - اداری کشور بیشتر و بیشتر شود.

عمده مشکلات اقتصادی اردن گرانی و تورم، گرانی سوخت، بیکاری و بدهی خارجی است. نرخ بیکاری در اردن بسیار بالاست و در سال ۲۰۱۸ به حدود ۱۸،۴ درصد رسید که اگر چه نسبت به سال قبل از آن کاهش ۰،۱ درصدی را نشان می دهد اما در مقایسه با سه سال قبل از آن جهشی حدوداً ۶،۵ درصدی داشته است.

به این مشکلات باید دستور العمل های صندوق بین المللی پول را نیز افزود که همواره تلاش می کند دولت را در منگنه و فشار کاهش هزینه ها، کوچک کردن بدنه دولت، افزایش کارآمدی و اقتصاد ریاضتی قرار دهد تا با این جراحی اقتصادی در طولانی مدت اقتصاد کشور دوام یابد. این مسأله نارضایتی عمومی را به دنبال داشته که سبب بروز تظاهرات گوناگون و مدت به مدت در اردن شده است. در همین راستاست که دولت اردن تلاش کرده لایحه مالیاتی جنجالی جدید خود را با توصیه صندوق بین پول پیش ببرد که در کنار کاهش بدهی های عمومی، یکی از اصلاحات اقتصادی مورد نیاز این صندوق بین المللی است. طبق سیاست های ریاضتی جدید، مالیات های جدیدی معرفی خواهند شد و بارانه نان حذف می شود. همین مسأله باعث شده است بهای نان در اردن تا ۲

دیپلماسی ایرانی: مالیات، تورسم و کمک خارجی دو منبع اصلی درآمد دولت اردن است. اما این منابع نتوانسته پول کافی در اختیار دولت قرار دهد و دولت همواره با کسری بودجه مواجه بوده است. از انتخابات فامیلی و قبیله ای سبب شده است تا ناکارآمدی ها در عرصه اقتصادی - اداری کشور بیشتر و بیشتر شود.

دولت اردن همانند بسیاری از کشورهای عربی دچار مشکلات شدید اقتصادی است. اردن که وابستگی شدید به کمک خارجی دارد همواره تلاش کرده است تا بحران های اقتصادی خود را از طریق دریافت کمک های خارجی رفع کند. بیشتر اوقات هم این کمک ها یا از سوی عربستان سعودی، متحد اصلی عربی اردن تأمین شده است یا از سوی ایالات متحده آمریکا، بی شک همکاری اردن با اسرائیل نیز نقش به سزایی در دریافت کمک های مالی امان از آمریکا داشته است.

مالیات، تورسم و کمک خارجی دو منبع اصلی درآمد دولت اردن است. اما این منابع نتوانسته پول کافی در اختیار دولت قرار دهد و دولت همواره با کسری بودجه مواجه بوده است. از سوی دیگر فساد ریشه دار و انتصابات فامیلی و قبیله ای و خانوادگی در بدنه دولت سبب شده است تا ناکارآمدی ها در عرصه



کار هستند و حقوقی معادل فرماندهان ارتش کویت دریافت می کنند. گفته شده است آمریکایی ها به پادشاه اردن هشدار داده اند که اگر اقدام به تصفیه و کاهش نیروهای ناکارآمد دولتی و حکومتی نکند و همچنین از تعداد نیروهای ناکارآمد در ارتش اردن نگاهد با قطع کمک های مالی آمریکا مواجه خواهد شد. آمریکایی ها تأکید کرده اند که از دستور العمل صندوق بین الملل پول حمایت می کنند و آن را برای کاهش هزینه های دولت در جهت بهبود اقتصادی کشور مفید می دانند. آنها توصیه کرده اند پادشاه اردن شیوه بی یاکانه محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان را الگو قرار دهد و به تصفیه های گسترده اقدام کند.

بسیاری پیش بینی می کنند این اقدام با اقبال اجتماعی مواجه شود اما تضمینی نیست که بتواند مسکنی طولانی مدت برای درهای اقتصادی اردن باشد.

باید شاهد انفجار اجتماعی - اقتصادی در کشور باشد. به ویژه که گفته می شود بسیاری از مناطق مرزی تحت کنترل کامل دولت و نهادهای امنیتی نیست.

در همین راستا ملک عبدالله، پادشاه اردن به طور مرتب به واشنگتن سفر می کند شاید که بتواند از آنها کمکی برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور دریافت کند. آخرین گزارش ها حاکی از آن است که پادشاه اردن بعد از بازگشت از واشنگتن در صد برآمده است تا شاهزاده حسین، پسرش را از ولیعهدی کنار بگذارد و به جای او شاهزاده حمزه را به عنوان ولیعهد برگزیند. همچنین قصد دارد به طور هم زمان دولت و مجلس را منحل کند و تعداد وزارت خانه ها را کاهش دهد. به موجب این اصلاحات، تعداد کارکنان دربار پادشاهی نیز کاهش می یابد. گفته می شود در حدود ۴ هزار و ۷۵۶ نفر در دربار پادشاهی مشغول به